

# تأثیرات تاریخی - فرهنگی بر میل جنسی انسان



صحنه محاکمه زنان به اتهام جادوگری

جرالد اس. گرینبرگ

استاد دانشگاه مریلند امریکا

گزینش و ترجمه: رامین شکبیا

تابستان 1389

نشر از:

[www.NewOxygen.mihanblog.com](http://www.NewOxygen.mihanblog.com)

این مقاله ناچیز را به تو هدیه می کنم ... اگر قطره ای به دریای آگاهی ات افزود ...  
تو نیز (در مد توان خود) آن را به دیگران هدیه کن.  
مترجم



اثر پیش رو ترجمه صفحات 15 تا 25 از فصل اول کتاب "تشریح ابعاد میل جنسی انسان" نوشته دکتر جerald اس. گرینبرگ و همکاران ایشان است. ویرایش چهارم این کتاب در مارس 2010 از سوی انتشارات "جونز و بارتلت" منتشر شده است.

*Source: Jerrold S. Greenberg, Clint E. Bruess, Sarah C. Conklin, Exploring the Dimensions of Human Sexuality (2006-2007), Third Edition, Chapter 1, p.15-25*

## 1

### انقلاب جنسی

شاید شما هم چیزهایی در مورد انقلاب جنسی شنیده باشید. معنای این عبارت با توجه به منظور گوینده ممکن است متفاوت باشد. اما به طور کلی اشاره به آن دارد که "طی 80 تا 100 سال گذشته تغییرات و دگرگونی های فراوانی در رابطه با میل جنسی رخ داده است". شما می توانید با در نظر گرفتن برخی از شواهد قضاوت کنید که آیا واقعاً در این زمینه یک انقلاب - یا شاید یک فرآیند تکاملی - رخ داده است یا خیر. در قسمت زیر به پاره ای از آنها می پردازیم.

بسیاری از مردم با استناد به میزان مقاربت جنسی قبل از ازدواج، از یک انقلاب جنسی سخن می گویند. بسیاری از کتب تاریخی ما این باور را به مردم تلقین می کنند که در گذشته، امریکایی ها قبل از ازدواج از نظر جنسی پرهیزکار بوده اند. اما چنانچه منابع مختلف را مورد بررسی قرار دهیم درخواهیم یافت که این قضیه لزوماً درست نیست. ریز<sup>1</sup> (1973) گزارش می دهد که در اواخر دهه 1700 در ایالت ماساچوست، از هر 3 زن 1 نفر طی مراسمی ویژه که در کلیسا برپا می شد به زنا با کشیش خود اعتراف می کرد (شمار واقعی معترفین احتمالاً بیش از اینها بوده است). ساکنان ناحیه ای مرزی در غرب ایالات متحده شدیداً از طریق روسپیگری امرار معاش می کردند. جنبش برابری خواهی زنان در دهه 1870 موجب فزونی روابط جنسی شد. به علاوه

---

<sup>1</sup> - Reiss

نخستین کاندوم لاستیکی مقاوم شده در 1876 در نمایشگاه جهانی فیلادلفیا به نمایش عمومی درآمد. این رخدادها باید ما را نسبت به این اندیشه که نیاکان ما به لحاظ جنسی پرهیزکار و خویشتن دار بوده اند مردد سازند (بروس و گرینبرگ، 1994).

حتی شاید زایش های خارج از زناشویی نسل کنونی نیز چندان شایع تر از چند نسل قبل نباشند. مثلاً میزان زایش های خارج از زناشویی سفید پوستان در 1970 تفاوت عمده ای با میزان آن در 1850 نداشته است. البته در سال 1985 حدود 25% از زایش های ایالات متحده متعلق به زنان مجرد بوده است، یعنی در حدود 5% بیش از آمار مشابه آن در 1960 (تازه واردها، 1990). در 1994 میزان زایش ها در میان زنان مجرد 26% و در سال 2000، 31% بوده است (باروری زنان امریکا: ژوئن 2000 و 2001).

مطالعات انجام شده در بین سال های 1920 و 1945 ظاهراً حاکی از آن است که بیشترین افزایش در میزان مقاربت جنسی قبل از ازدواج در اوایل دهه 1900 رخ داده است (بل<sup>1</sup>، 1966). این بدان معناست که آنچه را که اصطلاحاً انقلاب جنسی می نامند، در اوایل قرن بیستم آغاز شده است نه در سال های اخیر. بسیاری از افراد مسنی که ظاهراً نگرانی زیادی در مورد تغییرات به وجود آمده در رفتار جنسی مردم دارند، در آن زمان در اواسط انقلاب جنسی ای که خود به راه انداخته بودند قرار داشتند. بهترین تحقیق ما نشان می دهد که تقریباً 35% تا 45% از زنان و 55% تا 65% از مردان در طی 6 تا 7 دهه نخست قرن بیستم به مقاربت جنسی قبل از ازدواج پرداخته اند (بروس و گرینبرگ، 1994).

البته بدیهی ست که بسیاری از تغییراتی که بر اندیشه ما درباره میل جنسی تأثیر گذاشته اند، در طی عصر حاضر رخ داده است. مثلاً، به مجرد آنکه دیدگاه های اخلاقی سنت گرا مورد تردید قرار گرفتند، مردم کم کم پی بردند که هر نوع اصول اخلاقی ای (غیر از اصول اخلاقی سنت گرا) را نیز می توان به طور عمومی به کار بست. دانشمندان علوم اجتماعی به این باور رسیدند که مردم خودشان باید اصول اخلاقی خویش را تعیین کنند، در حالی که پیش از آن رهبران مذهبی اغلب آنچنان اصول اخلاقی سفت و سختی را تعیین می کردند که فقط انسان های معدودی آنها را به کار می بستند.

در سپیده دم قرن بیستم هنوز هم میل جنسی در میان گفتگوهای روزمره جایی نداشت هر چند که آنچنان موضوع پلید و شیطانی هم نبود. وقایع چندی رخ داد که بر

<sup>1</sup> - Bell

روند پذیرندگی بیشتر این موضوع یاری رساند. برای مثال، وقوع جنگ های پی در پی بر نظام باورها و ارزش های بسیاری از مردم تأثیر گذاشت و عدم اطمینان نسبت به زنده ماندن موجب پی ریزی فلسفه "زندگی همین امشب است، شاید فردا مرده باشیم" شد. نتیجه این رویکرد، تغییر در مفهوم اخلاقیات جنسی بود.

رشد جایگاه زنان در جامعه نیز تأثیر چشمگیری بر پذیرندگی ما نسبت به موضوع میل جنسی داشته است. زنان به مدارج تحصیلی بالاتر دست یافته، به رکن مهم تری در نیروی کار مبدل گشته، جسورتر شده، و شریک جنسی فعال تری در فعالیت جنسی شده اند. زن "جدید" خواهان آزادی ای همانند آزادی مردان است (موراشتاین<sup>1</sup>، 1974، 419).

پیشرفت های سریع در وسایل ارتباط جمعی و حمل و نقل نیز تأثیر فوق العاده ای در این زمینه داشته است. نخست تلفن تبدیل به راهی سهل الوصول برای توسعه روابط میان فردی (یعنی روابط بین افراد) شد، و امروزه اینترنت امکاناتی را برای مردم جهت آشنایی با یکدیگر، ارسال سریع مطالب عاشقانه (مثلاً از طریق ایمیل)، و ممانعت از تماس فیزیکی فراهم آورده است. مجله ها و فیلم ها در زمینه لاس زدن<sup>2</sup>، قرار گذاشتن<sup>3</sup>، احساسات جنسی، و انواع مختلفی از رفتارهای جنسی سخن پراکنی می کنند. رقص به عنوان فعالیتی اجتماعی، به عنصر بارزی در راستای توسعه روابط صمیمی و نزدیک مبدل گشت. ماشین تبدیل به "اتاق خواب متحرک" شد و از این رو فرصتی را برای انجام فعالیت جنسی پنهانی فراهم آورد یا به عبارتی ابزاری شد که محرمانه ماندن فعالیت جنسی را تضمین خواهد کرد.

هم اکنون پذیرفته شده است که تجربیات سال های نخست کودکی، اثر مهمی بر میل جنسی فرد در آینده خواهند داشت. دیدگاه فوق با این اندیشه ی کهن که باید با کودکان همچون موجوداتی که فاقد نیروی جنسی هستند رفتار کرد، کاملاً مغایرت داشته و برنامه های آموزش مسائل جنسی به کودکان همه ی سنین را دگرگون ساخته است.

---

1- Murstein

2- flirting

3- dating

تحقیق آلفرد کینزی<sup>1</sup> در دهه 1940 و 1950 درباره رفتار جنسی مردان و زنان، آمارها و اطلاعاتی را در مورد مردم و رفتارهای جنسی شان فراهم آورد. یافته های این تحقیق از قبیل "پیوستار کینزی"<sup>2</sup>، اندیشه کنونی ما را متأثر ساخته است.

بسیاری از بزرگسالان امروز تحت تأثیر رویدادهای مهمی قرار گرفته اند که در طی دهه های 1950 و 1960 رخ داده است. نخستین حضور الویس پرسلی<sup>3</sup> در تلویزیون سراسری امریکا به سال 1956 (که باسن خود را به هنگام رقص تکان می داد) از نگاه بسیاری از مردم امری وقیحانه و غیراخلاقی بود، هر چند که در قیاس با معیارهای کنونی شاید این چنین نباشد.



برخی از مردم این سبک اجرای الویس پرسلی را زشت و زننده توصیف می کردند.

همچنین عرضه لباس شنای بکینی<sup>4</sup> (لباس شنای دو تکه زنانه) در 1959 بر نوع تفکر مردم درباره میل جنسی تأثیر گذاشت. در طی این دو دهه، اشعار ترانه های مردمی نیز به سرعت از نظر جنسی وسوسه انگیزتر شدند. شکستن صفحات گرامافون (و بعدها شکستن

نوارها) توسط مخالفان این ترانه ها، تلاشی بود که در جهت سانسور کردن موسیقی به عمل آمد.

همچنین کار ویلیام مسترز و ویرجینیا جانسون<sup>5</sup> در مورد واکنش جنسی انسان در دهه 1960، عمیقاً بر دانش ما از نحوه عملکرد جنسی بدن تأثیر گذاشت. تحقیق آنان علاوه بر اطلاعات بنیادین درباره عملکرد جنسی، پایه و اساسی را برای مشاوره جنسی و روش هایی را جهت پرداختن به اختلالات جنسی انسان فراهم آورد.

وسایل جلوگیری از آبستنی مطمئن علی الخصوص قرص ضد بارداری (که در سال 1960 در ایالات متحده عرضه شد) بیش از پیش گسترش یافته و مورد پذیرش جمع

<sup>1</sup> - Alfred Kinsey

<sup>2</sup> - برای مطالعه در این زمینه ن.ک به مقدمه مقاله "همجنس گرایی (باورهای رایج و یافته های علمی)" ترجمه میعاد توانا.

آدرس دریافت مقاله: [www.newoxygen.mihanblog.com](http://www.newoxygen.mihanblog.com)

<sup>3</sup> - Elvis Presley

<sup>4</sup> - bikini swimsuit

<sup>5</sup> - William Masters & Virginia Johnson

کثیری از مردم قرار گرفتند. امروزه روش های جلوگیری از آبستنی نسبتاً مطمئنی در دسترس هستند که اکثر زوج های متأهل از آنها استفاده می کنند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم کتاب ها، کلاس های آموزشی، و برنامه های رادیویی و تلویزیونی و نیز وب سایت های فراوانی در رابطه با میل جنسی پا به عرصه وجود گذاشتند. رسانه ها کم و بیش یافته های هر مطالعه تازه ای را منعکس می کنند و بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل جنسی در جامعه ی امریکا و در نشست های عمومی به صورت بی پرده انجام می شود.

## 2

### کنترل رفتار جنسی

در سرتاسر تاریخ فرهنگ غرب، تلاش های فراوانی برای کنترل رفتار جنسی صورت پذیرفته است. اکثر آنها را می توان در نظام اخلاقی و قانونی اعصار مختلف مشاهده کرد. به طور مثال، اخلاق گرایان مسیحی کهن اعتقاد داشتند که چون فعالیت جنسی خارج از چارچوب ازدواج هدفی غیر از تولید مثل را دنبال می کند، بنابراین گناه است. حتی در چارچوب ازدواج نیز، رابطه جنسی تنها در حالتی که با هدف تولید بچه انجام شود مشروع خواهد بود. تقریباً تمامی نظریه پردازان قرون وسطی بر این موضوع تاکید داشتند که در آغوش کشیدن همسر خود صرفاً برای لذت جویی، گناه کبیره است (آریز و بجین<sup>1</sup>، 1985، 115).

همچنین مسیحیان کهن بر این باور بودند که رفتار جنسی زناشویی باید از یک قاعده ثابت پیروی کند. به عبارت دقیق تر، مقاربت در تمام روزهای پرهیزکاری<sup>2</sup> یا اعیاد مقدس، در طی روزهای قاعدگی زن، 40 روز پس از زایمان، در طی حاملگی، و در طی دوره شیر دادن با پستان، زشت و زننده محسوب می شد. به علاوه، مقاربت بین زن و شوهر تنها در حالتی که زن کاملاً بر پشتش دراز کشیده و مرد بر روی او قرار بگیرد حالتی "طبیعی و نرمال" قلمداد می شد. همه حالت های دیگر شرم آور یا "غیرطبیعی" بودند (آریز و بجین، 1985، 120).

---

<sup>1</sup> - Aries & Bejin

<sup>2</sup> - fast days



از سوی دیگر، طبق آموزه های کلیسا کسی که به فعالیت جنسی دهانی- تناسلی یا مقاربتِ مقعدی می پرداخت انسانی شیطان صفت بود. همجنس گرایی عملی نفرت انگیز محسوب شده و به وسیله ی اعدام مجازات می شد. برخی از مردم ممنوعیت های کلیسا را حقیقتی راستین می پنداشتند. برای نشان دادن میزان اخلاص شان به خدا، پیراهن های ناراحت کننده ی ساخته شده از مو می پوشیدند، کمربندهای آهنین سنگین به تن می کردند، بر روی تخته های چوبی سفت و سخت می خوابیدند، و به عمد هرگز گرسنگی و تشنگی خود را به طور کامل برطرف نمی ساختند. هزاران نفر از مردم تا اواسط دهه 1300 این قبیل خودآزاری ها را انجام می دادند تا اینکه پاپ اعلام کرد که چنین رفتارهایی ارتدادی است. البته رفتار بسیاری از مردم در طی این عصر، بیش از آموزه های کلیسا تحت تأثیر محرک های زیستی قرار داشت. به بیان دیگر، اگر چه مردم به طور لفظی از اصل خویشتن داری جنسی پیروی می کردند اما در عمل به آن بی اعتنا بودند.

باور به سحر و جادو ابزار دیگری را برای کنترل رفتار جنسی فراهم می آورد. بر پایه این باور، احساسات شدید علی الخصوص شهوت<sup>1</sup> و هوس<sup>2</sup>، از ارواح شیطانی برمی خیزند و چون زنان (و نه مردان) موجب شهوت می شوند، از این رو برخی رهبران مذهبی زنان را به عنوان جادوگر یا دست نشاندهگان شیطان معرفی می کردند. ظاهراً برای بیرون راندن شیطان از روح و جسم جادوگرها، آنان را شکنجه کرده یا می کشتند. اظهار می شد که زنان مردان را جادو می کنند زیرا اثرات هیجانی مرموز و پرفشاری که



زنان به لحاظ جنسی بر مردان وارد می آورند گاهی اوقات آنان را به رفتارهای احساسی و نامعقول هدایت می کند. محاکمه جادوگرها در سرتاسر قرون وسطی به ویژه در طول قرن پانزدهم ادامه یافت (سادک، کاپلان، و فردمن<sup>3</sup>، 1976).

<sup>1</sup> -lust

<sup>2</sup> -passion

<sup>3</sup> - Sodock, Kaplan & Freedman



در انگلستان قرن هفدهم، به موجب قوانینی که از سوی بنیادگرایان پروتستان<sup>1</sup> وضع شد، تفریحاتی همچون رقص، خوانندگی و تئاتر ممنوع اعلام شدند. اگر زنان موهایشان را بلند کرده یا آرایش می کردند با آنان همچون فاحشه ها رفتار می شد. در روزهای یکشنبه هر گونه فعالیت بی ارتباط به عبادت و نیایش ممنوع بود. در اواخر قرن هجدهم رفتار جنسی تحت کنترل درآمد و به طور خودانگیخته مورد بازداری قرار می گرفت. مردم در زندگی شان بسیار محافظه کار شده بودند. در طی این دوره نگرش های شدیداً منفی ای نسبت به رفتار جنسی همچون خواهانه به وجود آمد و بسیاری از افرادی که به چنین عملی می پرداختند از قرار معلوم اعدام می شدند. آنچنان هراس شدیدی در طول این دوره حاکم بود که مردم خواستار ملایمت و مدارا با افرادی بودند که به رفتارهای جنسی ممنوع شده می پرداختند؛ این قبیل افراد معمولاً در معرض آزاد و اذیت قرار می گرفتند. مطالعات قرن هجدهم پیرامون میل جنسی بر جنبه فیزیولوژیکی آن تاکید داشت و به طور کلی نتیجه می گرفت که فعالیت جنسی مفرط - علی الخصوص انزال بیش از حد - عاقبتش ضعف و سستی بدن خواهد بود.

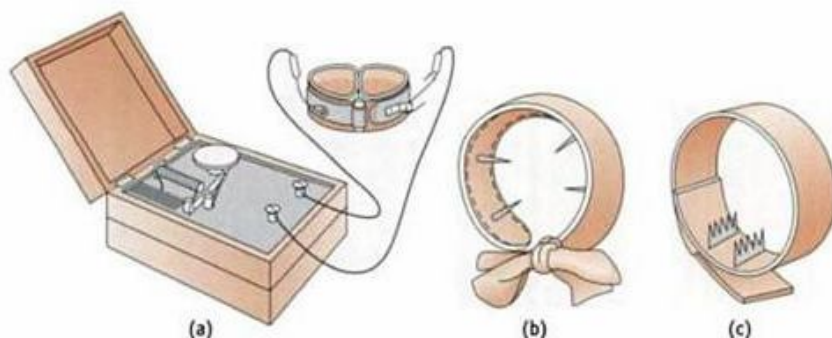
در قرن نوزدهم و در طی دوران ملکه ویکتوریا، تمایلات جنسی عموماً سرکوب می شدند. گرچه این باور وجود داشت که مردان تمایلات جنسی نرمال و خودانگیخته ای دارند، اما گمان می رفت که زنان از نظر جنسی منفعل بوده و تنها در صورتی که تحت تحریک بیش از حد قرار بگیرند برانگیخته خواهند شد. اعتقاد بر آن بود که کودکان فاقد احساسات جنسی هستند.

در دوران ملکه ویکتوریا تلاش های فراوانی صورت گرفت تا مردم را از برانگیختگی جنسی دور نگه دارند. اشاره های جنسی در آثار ادبی و گفتگوهای عمومی منع شده بود و اکثر رفتارهای جنسی نیز چنین وضعی داشتند. خودارضایی فعالیتی بود که به شکل ویژه ای محکوم شده بود؛ "گناه پنهانی"، "خود-آلودگی"<sup>2</sup>، و "هرزگی انفرادی" برچسب هایی بودند که به این فعالیت می زدند. حتی کار به جایی رسید که دستگاهی برای نصب در اطراف آلت تناسلی مردان ساخته شد تا از "خروج منی در طول خواب"

<sup>1</sup> Puritan : پروتستان های هوادار ساده سازی مراسم و زندگی کلیسایی و سخت گیری مذهبی و اخلاقی - م

<sup>2</sup> - self-pollution

(که عموماً آن را انزال های شبانه<sup>1</sup> یا رویاهای همراه با انزال<sup>2</sup> می نامند) جلوگیری کند.



دستگاه های ساخته شده برای جلوگیری از انزال های شبانه. دستگاه (a) به هنگامی که نعوظ (یعنی راست شدن آلت تناسلی) رخ می دهد زنگی را به صدا در می آورد. دستگاه های دیگر (b و c) نیازی به زنگ ندارند.

در اوایل قرن بیستم، به مجرد آنکه از اصول اخلاقی محافظه کارانه درباره میل جنسی کاسته شد و مردم به این باور رسیدند که ابراز میل جنسی فرآیندی طبیعی و نرمال است، برخی تلاش های دنیاگرایانه<sup>3</sup> برای ارائه ی تعریفی نوین از اخلاقیات جنسی در پیش گرفته شد. این تلاش ها نهایتاً منجر به سانسور، ممنوعیت، و تجدید حیات قوانین کهن بر ضد رفتارهای جنسی خاص از جمله همجنس گرایی، فعالیت دهانی- تناسلی، و سایر رفتارهای جنسی ممنوعه شد.

به لحاظ تئوری در ایالات متحده جداسازی کلیسا و دولت صورت پذیرفته است، اما مجادله های حقوقی در مورد موضوعاتی از قبیل سقط جنین، دسترسی به اطلاعات و خدمات جنسی، همجنس گرایی، و سایر رفتارهای جنسی، برخی از مردم را در مورد این جداسازی به شک انداخته است.

<sup>1</sup> - nocturnal emissions

<sup>2</sup> - wet dreams

<sup>3</sup> - secular: سکولار

## آبستنی

بسیاری از دانسته های ما درباره مردمان ما قبل تاریخ، از طریق تحلیل بقایای هنری آنان به دست آمده است. نقاشی های ما قبل تاریخ که بر روی دیواره های غار حک شده اند، نشان می دهند که بیش از سی هزار سال قبل میل جنسی بخش مهمی از فرهنگ بوده است. برخی از این حکاکی ها انسان ها را در حالت مقاربت جنسی با یکدیگر نشان می دهند، و برخی دیگر زنان و مردان را با مبالغه و بزرگ نمایی در اندام هایشان به تصویر کشیده اند.

علیرغم توجهی که در هنر و شاید مذهب شان به میل جنسی داشتند، گویا مردمان ما قبل تاریخ از نقش میل جنسی در فرآیند تولید مثل آگاهی نداشتند. از این رو نظریه پردازان معتقدند که در آن زمان شماری از توضیح و تفسیرها برای توجیه زایش ها وجود داشته است. شاید تصور بر آن بوده که کودکان از سوی خدایان نیاکان فرستاده می شوند؛ و مقاربت جنسی امری ست که صرفاً مختص لذت جویی است. یا گمان می کردند که با نشستن زن در یک طرف آتش و گرفتن ماهی کباب شده از پدر آینده بچه، او حامله می شود. قبیله ای استرالیایی بر این باور بود که زن با خوردن گوشت انسان آبستن می شود. برخی از فرهنگ ها بر این تصور بودند که احتمال باردار شدن برای مردان نیز وجود دارد (تاناہیل<sup>1</sup>، 1980).

برخی از این نظریه ها شاید خنده دار به نظر برسند، اما به راستی عجیب و غریب تر یا لاقط تعجب انگیزتر از برخی باورهای غلط کنونی نیستند. با این حال، از بررسی نخستین نوشته های مکتوبی که از قدیم الایام بر جای مانده اند، در می یابیم که انسان ها نسبت به نقشی که در فرآیند تولید مثل ایفا می کنند آگاه بوده اند، حتی اگر نمی دانستند که این امر چگونه تحقق می یابد.

در سرتاسر تاریخ مکتوب بشر، نظریه ها و باورهای غلط فراوانی در مورد آبستنی وجود دارد. مثلاً بر پایه نظریه ارسطو، جنین انسان از آمیختگی خون قاعدگی و مایع منی به وجود می آید. یکصد سال پیش از ارسطو، اسکیلس شاعر یونانی معتقد بود که

<sup>1</sup> - Tannahill

آبستنی به تنهایی توسط مرد صورت می پذیرد و زن نقشی را در این بین ندارد (بچه ها از کجا می آیند؟، 1982).

مردم ناحیه اشانتی<sup>1</sup> در کشور غنا نیز معتقد بودند که آبستنی از طریق آمیختن خون قاعدگی زن و انزال مرد به وقوع می پیوندد. آنان گمان می کردند که خون قاعدگی مادر تبدیل به خون بدن نوزاد و منی پدر تبدیل به روح و نیروی زندگی نوزاد می شود. بسیاری از فرهنگ های استرالیایی بر این باور بودند که حاملگی هنگامی رخ می دهد که روح نوزاد وارد رحم، مکانی که تا لحظه تولد در آن پرورش می یابد، می شود. فرض بر این بود که نیروهای روانی مرد موجب ورود روح جنین به داخل بدن زن می شوند. به طور مشابه، اهالی جزایر *Trobriand* عقیده داشتند که روح نوزاد از طریق سر زنی که از نظر جنسی بالغ شده است به درون بدن او نفوذ می کند. این روح به وسیله ی خون قاعدگی زن پرورش می یابد؛ به همین دلیل است که دوره های قاعدگی در طول حاملگی متوقف می شوند (داون پورت<sup>2</sup>، 1976).

میکروسکوب برای نخستین بار امکان دیدن اسپرم را برای دانشمندان فراهم ساخت. در سال 1677، طبیعت شناس هلندی آنتون فان لئوون هوک<sup>3</sup>، اسپرم انسان را که توسط یکی از دانشجویانش کشف شده بود مورد بررسی قرار داد. با این وجود، بسیاری از دانشمندان از پذیرش اسپرم به عنوان عامل ایجادکننده حیات در انسان سر باز زدند. دانشمندان دیگر مدعی شدند که انسان های بسیار کوچکی را در درون اسپرم مشاهده کرده اند. اندیشه مذکور به شکل گیری این باور منتهی شد که این انسان کوچک تا زمانی که در "لانه" زن جای نگیرد کاملاً به صورت یک انسان (مذکر یا مونث) رشد نخواهد کرد. در همان زمان دانشمندان دیگری معروف به "اویست ها"<sup>4</sup>، مدعی شدند که نوزاد از قبل در بدن زن شکل می گیرد و اسپرم صرفاً وظیفه فعال ساختن فرآیند رشد آن را بر عهده دارد. تا سال 1875 این واقعیت که اسپرم به درون تخمک نفوذ می کند و آن را بارور می سازد، آشکار نشده بود (بچه ها از کجا می آیند؟، 1982).

<sup>1</sup> - Ashanti : در مرکز کشور غنا - م

<sup>2</sup> - Davenport

<sup>3</sup> - Anton van Leeuwenhoek

<sup>4</sup> - Ovists



تصویر طنزآمیزی که وودی آلن (نفر وسط) از سلول های اسپرم در فیلم "هر آنچه که همواره می خواهید درباره سکس بدانید" ارائه می دهد ... بیانگر آن است که سابقاً چه اندیشه ای درست انگاشته می شد. هنگامی که در سال 1677 سلول های اسپرم به وسیله یک ذره بین کشف شدند، دانشمندان اظهار داشتند که مردان بسیار کوچکی (موسوم به جانوران ذره بینی) را در درون سلول های اسپرم مشاهده کرده اند. حتی برخی دیگر از دانشمندان مدعی شدند که اسب های بسیار کوچکی را در اسپرم اسب مشاهده کرده اند!

پی بردن به همه آن تأثیراتی که فهم درست فرآیند آبستنی به بار آورده است، غیر ممکن است؛ اما در ادامه خواهیم دید که کسب چنین دانشی هم برای مردان و هم برای زنان مفید بوده است. به عبارت دیگر، دانستن اینکه مقاربت جنسی می تواند منجر به آبستنی شود، به طور حتم رفتار جنسی را تحت تأثیر قرار داده و امکان بهره مندی از یک سری کنترل های حداقلی بر روی حاملگی های ناخواسته را به وجود آورده است. امروزه کنترل تولید مثل امکان پذیر گشته است؛ حال آنکه بخش عمده ای از تاریخ بشر از آن بی بهره بوده است.

#### 4

### جلوگیری از آبستنی

اگرچه فرآیند تولید مثل نسبتاً تا این اواخر ناشناخته مانده بود، جلوگیری از آبستنی - یعنی بکارگیری روش هایی برای ممانعت از حاملگی - عمری به درازای تاریخ مکتوب

انسان دارد. بیش از چهار هزار سال قبل، زنان مصری از توده های پنبه آغشته به دارو به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از آبستنی استفاده می کردند. پنبه را با آمیزه ای از گل اقاویا و عسل نم دار کرده و در درون واژن قرار می دادند. طی سده های بعد، روش های مختلفی مورد استفاده قرار گرفتند که برخی از آنها خطرناک نیز بودند (اکولوژی کنترل زایش، 1971). به طور مثال، پارچه های اسفنجی یا نم گیر را در درون واژن قرار می دادند یا مدفوع تمساح را با نوعی خمیر درآمیخته و ماده مخلوط شده را در درون واژن قرار می دادند. روایت شده است که زنان ایرانی اسفنج های خیس شده با لیمو ترش را برای جلوگیری از آبستنی در درون واژن خود قرار می دادند. جالب است که بدانید این روش ها برخی اوقات مؤثر نیز واقع می شدند. اکثر این روش ها تلاش داشتند تا به شکل یک مانع عمل کرده یا شالوده اسیدی درون واژن را تغییر دهند. در واقع بسیاری از روش های جلوگیری از آبستنی که امروزه مورد استفاده قرار می گیرند بر پایه همان اصول بنا شده اند.

نخستین وسیله نوین جلوگیری از آبستنی، که عاقبت کاندوم<sup>1</sup> نامیده شد، در اواسط قرن شانزدهم پا به عرصه وجود گذاشت. این وسیله به عنوان پوششی محافظ در برابر بیماری سفلیس که در آن زمان کل اروپا را مورد



هجوم قرار داده بود، طراحی و ساخته شد. در ابتدا کاندوم را از کتانِ خالص می ساختند، بعدها از روده حیوان، و سرانجام آن را از لاستیک ساختند. اگرچه کاربرد اصلی اش حفاظت در برابر بیماری بود، اما قابلیت بالقوه اش به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از آبستنی به سرعت مورد توجه قرار گرفت (اکولوژی کنترل زایش، 1971).

در اواسط قرن نوزدهم، منسینگا پزشک آلمانی، دیافراگم لاستیکی<sup>2</sup> را ساخت. او بر این باور بود که زنان باید حقوقی برابر با مردان داشته باشند و بتوانند سطح زندگی خود را با کنترل شمار نوزادانی که آبستن می شوند ارتقا بخشند. در ایالات متحده دیافراگم تا بعد از جنگ جهانی اول عموماً ناشناخته ماند. اگرچه کاندوم ها به اندازه دیافراگم ها ثمربخش نیستند و استفاده از آنها بستگی به تمایل مردان دارد، با این حال

<sup>1</sup> - condom : آن را کاپوت نیز می گویند.

<sup>2</sup> - rubber diaphragm

در پایان قرن نوزدهم در حجم انبوهی تولید شدند و نتیجتاً ارزان تر شده و بیش از پیش در دسترس عموم قرار گرفتند (بولاق<sup>1</sup>، 1976 a، 651). امروزه تعداد 5.5 میلیارد کاندوم هر ساله در ایالات متحده تولید می شود.<sup>2</sup>



دیافراگم ، پوششی از جنس لاستیک و با خاصیت کشسانی و با حلقه ای در لبه است که در واژن جای می گیرد تا گردن و دهانه رحم را بپوشاند (نوع غیر لاستیکی آن نیز وجود دارد).

ایده ساخت ابزار داخل رحمی<sup>3</sup> (IUD) از شیوه دیرین شتر سواران به عاریت گرفته شده است. در این شیوه، شتر سواران یک سنگ گرد (یا هسته زرد آلو را بر پایه یک سری محاسبات) در درون رحم شتر ماده قرار می دهند تا بدین طریق از بارداری شتر در طی سفرهای طولانی مدت ممانعت به عمل آورند. در طول دهه 1920 یک پزشک آلمانی متخصص زنان و زایمان، با جایگزین کردن یک حلقه جراحی ابریشمی یا سیمی ایده مذکور را به شکل کنونی آن درآورد (اکولوژی کنترل زایش، 1971). با این وجود تا پیش از آزمایشاتی که در 1959 در اسرائیل و ژاپن از IUD ها به عمل آمد، این وسیله به طور گسترده مورد استفاده قرار نمی گرفت.

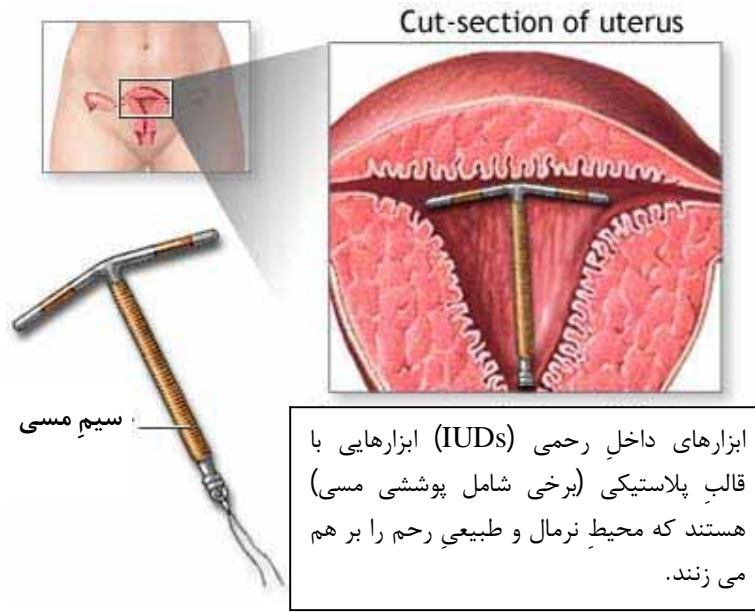


<sup>1</sup> - Bullough

<sup>2</sup> - فقط در همین حد متذکر می شویم که امروزه علاوه بر کاندوم های مردانه، کاندوم های زنانه نیز تولید می شوند. توضیحات بیشتر را به مقالات دیگر ماکول می کنیم - م

<sup>3</sup> - intrauterine device

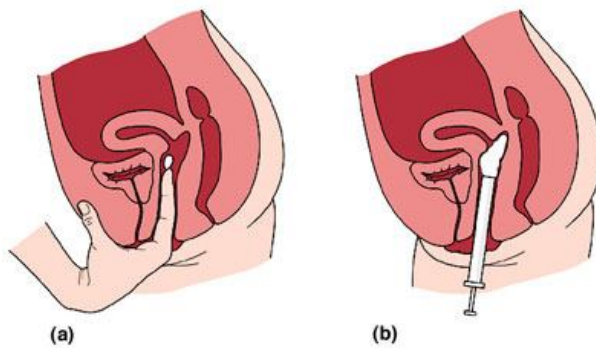




شماری از اسپرم کش های مؤثر در پایان قرن نوزدهم به بازار عرضه شدند. نخستین نمونه های آن، احتمالاً از طریق مسدود کردنِ گردنِ رحم با یک لایه چرب و لغزنده مؤثر واقع می شدند. پس از آن انواع متعددی از اسپرم کش های به سرعت روانه بازار شدند (بولاق، 1976، a، 651). کفها<sup>1</sup> و ژلها<sup>2</sup> دو نوع از آنها بودند که در اوایل قرن بیستم عرضه شدند.



انواع گوناگونی از اسپرم کش ها موجود هستند از جمله کفها، ژلها و کرمها.



<sup>1</sup> - foams  
<sup>2</sup> - jellies

مؤثرترین شیوه جلوگیری از حاملگی، داروی ضد آبستنی خوراکی (مانند قرص) است؛ تحقیق بر روی داروی ضد آبستنی خوراکی در دهه 1950 دامنه وسیعی پیدا کرد اما عرضه آن تا سال 1960 که نخستین داروی ضد آبستنی خوراکی رسماً مورد تأیید قرار گرفت، به طول انجامید. شاید بتوان گفت که این رویداد برجسته، سرآغاز فصلی نو در شیوه های جلوگیری از آبستنی بوده است.

سی سال بعد یعنی در سال 1990، وزارت غذا و داروی ایالات متحده استفاده از



نورپلانت (norplant) را مورد تأیید قرار داد. این وسیله ضد آبستنی هورمونی شامل 6 کپسول 34 میلی متری است که در زیر پوست بخش فوقانی بازوی زن کاشته می شود.<sup>1</sup> عرضه چشمگیر آن برای نخستین بار به مدتی طولانی (در این مورد بیش از 5 سال) کنترل هورمونی آبستنی را در ایالات متحده فراهم ساخت (تأیید کاشت کپسول های هورمونی از سوی وزارت غذا و دارو، 1990).

سقط جنین لزوماً روشی برای جلوگیری از حاملگی محسوب نمی شود، بلکه راهکاری برای کنترل زایش هاست. سقط جنین زود هنگام در دوره حاملگی، در چین و اروپای باستان امری قانونی بود. در قرن سیزدهم کلیسای کاتولیک اعلام کرد که روح در پسران 40 روز پس از لقاح<sup>2</sup> و در دختران 90 روز پس از لقاح حلول می کند، از این رو سقط جنین در این فواصل زمانی مجاز است. اما در اواخر دهه 1860 کلیسای

<sup>1</sup> این کپسول های نازک و کوچک را بطور کلی ایمپلنت (implant) می گویند که کپسول های نورپلانت یکی از انواع معروف آن می باشد. نورپلانت ها در زیر پوست به تدریج هورمونی شبیه پروژسترون از خود آزاد می کنند که به آن لوونورژسترل (Levonorgestrel) می گویند. این دارو به تدریج وارد جریان خون می گردد. در نورپلانت ها هیچگونه هورمون استروژن بکار نرفته است.

انواع مختلفی از ایمپلنت ها ساخته شده است. بعضی از ایمپلنت ها از تعداد کمتری کپسول ساخته شده اند و مدت اثر کمتری دارند. تنها ایمپلنتی که توسط وزارت غذا و داروی آمریکا (FDA) تایید شده است و به میزان زیادی در ایالات متحده آمریکا مصرف می گردد، نورپلانت می باشد - م

<sup>2</sup> - conception: لقاح و آبستنی مترادف هستند.

کاتولیک تغییر موضع داد و اعلام داشت که حیات از همان ابتدای لقاح آغاز می شود؛ این آموزه نهایتاً منجر به ممنوعیت سقط جنین شد (اکیف<sup>1</sup>، 1995).

امریکاییان نخستین<sup>2</sup>، سقط جنین را تا پیش از زمانی که زن حرکت جنین را در رحمش احساس نکرده است قانوناً جایز می دانستند اما سقط جنین طی دهه 1860 در ایالات متحده، جز در مواردی که جان مادر در خطر باشد، غیرقانونی شد. علاوه بر باورهای مذهبی برخی از مردم، عوامل دیگری همچون مشکلات بهداشتی به وجود آمده در اثر شیوه های ناشیانه سقط جنین، باور به اینکه رشد جمعیت به دلایل اقتصادی نیازی مبرم است، و شاید واکنش نظام سیاسی مردسالار به افزایش شمار زنانی که در جستجوی استقلال و برابری هستند نیز در غیرقانونی شدن سقط جنین مؤثر بودند (شران<sup>3</sup>، 1987). این ممنوعیت تا سال 1973 پابرجا ماند، تا اینکه دیوان عالی ایالات متحده طی حکمی معروف به *Roe v. Wade*، حق زن جهت تصمیم گیری برای پایان دادن به حاملگی اش، پیش از آنکه جنین بتواند مستقل از بدن او به زندگی ادامه دهد را قانونی اعلام کرد. مجادله ها پیرامون این موضوع همچنان ادامه دارد.

## 5

### نقش های جنسیتی

"والاترین سرنوشت و رسالت زنان، انجام وظایف همسرانه و مادرانه به بهترین شکل ممکن است. این قانون خداوند است". آیا این سخن متعلق به گذشته های دور است؟ مسلماً خیر. در واقع این عبارت نقل قولی ست از رأی دیوان عالی امریکا که در نخستین جلسه دادرسی، تحت عنوان اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی در 1873 صادر شد. حکم دیوان عالی، حقوق زنان را به شیوه ای قانونی مورد انکار قرار داد (باردز، شلی، و اشمیت<sup>4</sup>، 1998).

<sup>1</sup> - O'Keefe

<sup>2</sup> - early American : مربوط به اولین سال های ایجاد امریکا.

<sup>3</sup> - Sheeran

<sup>4</sup> - Bardes, Shelly & Schmidt

از نظر تاریخی، نقش زن به عنوان یک شریک جنسی، برآوردن نیازهای مرد بوده است. به طور مثال در هند، زنان بدون مردان موجوداتی بی ارزش محسوب می شدند. در غرب، زنانی که فعالیت جنسی لذت بخشی را تجربه می کردند حق نداشتند در مورد آن با کسی صحبت کنند زیرا مجازات های شدیدی برای چنین عملی در نظر گرفته شده بود. در تمام طول تاریخ، به زنان همچون مایملک و دارایی مردان نگریسته اند (اشپیل وگل<sup>1</sup>، 1997). در اکثر جوامع، چنانچه زنی مرتکب زنا می شد، یا مورد تجاوز جنسی قرار می گرفت، یا باکرگی خود را از دست می داد، او را "دارایی زیان دیده" محسوب می کردند. پدر یا شوهر او می توانستند او را مجازات کنند تا توان این زیان را بدهد، یا چنانچه او و شریک جنسی اش را در حین ارتکاب به زنا می گرفتند چه بسا حتی آنها را می کشتند (بولاق، 1976، b 677 – 679).

در بسیاری از جوامع، مردان نسبت به زنان از جایگاه بسیار بالاتری برخوردار بوده اند. این جایگاه مردان را شاید بتوان به واسطه دلایلی از این دست توجیه کرد:

1. بالاتر بودن قدرت فیزیکی مردان.
2. حاملگی های مکرر زنان در غیاب روش های مطمئن جلوگیری از آبستنی.
3. ایدئولوژی ای که تفاوت و نابرابری در نقش های مردان و زنان را "مشیت الهی" می داند.

در توضیح موارد بالا باید بگوییم که، مردان از قدرت فیزیکی بالاتر خود به منظور به دام انداختن حیوانات و دامداری، به منظور دفاع از خودشان، و برای وادار کردن زنان به انجام خواسته هایشان استفاده می کردند. چون زنان اغلب اوقات حامله بوده و زمان زیادی را صرف نگهداری از بچه ها می کردند، در نتیجه زمان اندکی باقی می ماند تا بتوانند جایگاه حقیرانه ی خود را تغییر دهند. از سوی دیگر، کسانی که می پنداشتند نقش های مردان و زنان در جامعه منشأی الهی دارد هر گونه تلاش برای تغییر دادن این نقش ها را دین ستیزی تلقی می کردند (موراشتاین، 1974، 566).

یونانیان باستان معتقد بودند که مردان اساساً سرشتی عقلانی<sup>2</sup> و روحانی داشته و زنان اساساً سرشتی جسمانی و دنیوی<sup>3</sup> دارند؛ و چون ذهن و بدن را دو اصل مجزا از یکدیگر می دانستند، چنین نتیجه می گرفتند که مردان [به دلیل سرشت عقلانی و

---

<sup>1</sup>- Spielvogel

<sup>2</sup>- mental

<sup>3</sup>- earthy

روحانی خود] دارای فطرتی متعالی بوده و سزاوار امتیازات بیشتری در جامعه هستند. اما چند قرن بعد، مسیح برابری بنیادی زن و مرد را شدیداً مورد تأکید قرار داد. او با قانون طلاقِ مذهبِ یهود مخالف بود، قانونی که اجازه می داد تا به زنان همچون دارایی و مایملک مردان نگریسته شود (نلسون، 1978).

در سرتاسر قرون وسطی، زنان موجوداتی پست تر از مردان محسوب می شدند. هر نوع انگیزه و رفتار آنان مورد سوءظن قرار می گرفت، آلوده به گناه قلمداد می شدند، و وجود آنان را خوار و کم ارزش می دانستند. با این همه برخی معتقدند که ارسطو پیش از این ها مدعی شده بود که "یک زن از یک مردِ ناقص هم کمتر است". ظاهراً تفکرات دینی و علمی هر دو حامی این قبیل نظرات بوده اند (بولاق، 1976b).

در اوایل دهه 1800 جمعیتِ کودکانِ پسرِ جوامع غربی و ایالات متحده بیشتر از جمعیتِ کودکانِ دختر بود. برخی محققین بر این باورند که این وضعیت ناشی از بی توجهی به نوع تغذیه و بهداشتِ دختران بوده است زیرا در آن زمان زنان به عنوان "نیروی کار" از ارزش اقتصادی چندانی برخوردار نبودند. محققانِ دیگر خاطر نشان می سازند که این عدم توازن در جمعیت صرفاً به آن دلیل رخ داد که درصد بیشتری از پسران در کودکی بقا یافتند یا از سرزمین های دیگر به کشورهای غربی مهاجرت کردند (کرت رایت<sup>1</sup>، 1990). نمونه های دیگری از این دست وجود دارند که البته تعیین علل واقعی آنها دشوار است.

با این حال، اواسط تا اواخر دهه 1800 و اوایل دهه 1900 شاهد پیشرفت های بسیاری در جایگاه زنان ایالات متحده بوده است. پس از سازماندهی نخستین گردهمایی عظیم درباره حقوق زنان در 1848، تا اندازه ای آزادی عمل قانونی، گشایش فرصت های شغلی، و پذیرش ایدئولوژیکی برابری زن و مرد به وجود آمد. اما تغییرات واقعی در نوع رفتار، با این پذیرش لفظی همگام نشدند. زنان در آن مقطع زمانی بیش از آنکه در اندیشه حقوق شغلی برابر (مانند دستمزد برابر) باشند، احتمالاً خواهان توجه و احترام بیشتر و بهره مندی از حق رأی بوده اند. اکثر مقالات و کتاب های مدافع آرمان های مهم زنان، توسط مردان و زنان بسیار فرهیخته معاصر نوشته شده اند و احتمالاً اکثریت امریکاییان در آن زمان حتی روحشان هم از این اندیشه های نو خبر نداشته است (موراشتاین، 1974، 379). با این وجود بذره های جنبش حقوق زنان در همان دوره کاشته شد.

---

<sup>1</sup> - Courtwright

جنبش حق رأی زنان در اواخر قرن نوزدهم با هدف کسب حق رأی برای زنان آغاز به کار کرد. تصویب اصلاحیه نوزدهم قانون اساسی در 1920 موجب شد تا ایالات متحده حق زنان را برای رأی دادن به رسمیت بشناسد. از سوی دیگر، جنگ جهانی دوم بستری را برای افزایش برابری جنسیتی فراهم کرد. همانطور که



زنان ایالات متحده تا 1920 به حق رأی دست نیافتند.

مردان ملزم به ترک خانه برای پیوستن به ارتش شدند، هزاران نفر از زنان نقش های سنتی شان در خانه را رها کرده و برای نخستین بار مشاغلِ مزدی را بر عهده گرفتند. اما این وضع تا دهه 1960 بیشتر دوام نیاورد، بعد از جنگ ازدواج های بسیار زیادی انجام شد، زاد و ولد فزونی یافت و ناامیدی در مورد تغییر نقش های زنان از سر گرفته شد، تا اینکه جنبش تازه ای جهت برابری جنسیتی پدیدار گشت.

برخی از مردم گمان می کردند که تصویب اصلاحیه نوزدهم، مبارزه برای حقوق زنان را پایان خواهد داد، اما این چنین نشد. در 1963، لایحه دستمزد برابر تصویب شد. به موجب این لایحه، چنانچه زنان به کاری همانند مردان اشتغال داشته باشند باید دستمزدی برابر با آنان دریافت کنند (به طور خلاصه دستمزد برابر برای کار برابر). در 1964، زنان تحت حمایت لایحه حقوق مدنی قرار گرفتند. این واقعه آشکار ساخت که دولت فدرال حامی برابری فرصت برای زنان و مردان است (دگلر<sup>1</sup>، 1980، 442). ولی با تمام این اوضاع و احوال، در اواخر دهه 1990 به ازای هر 1 دلاری که مردان دستمزد می گیرند، به طور متوسط 83 سنت عاید زنان می شود.

در 1963 بتی فریدان<sup>2</sup> راز و رمز زنانه<sup>3</sup> را منتشر ساخت. این اثر به ایجاد جنبشی گسترده برای احقاق حقوق زنان یاری رساند. او عقیده داشت زنان آنچنان درگیر کارهای خانه و خانواده شده اند که هیچ زمانی برای خودشان باقی نمانده است. تعدادی از کتاب های دیگر نیز به دفاع از موضوع برابری زنان پرداختند. در 1966، فریدان

<sup>1</sup>- Degler

<sup>2</sup>- Betty Friedan

<sup>3</sup>- The Feminine Mystique

سازمان ملی زنان (NOW) را پایه گذاری کرد، سازمانی که همواره مدافع حقوق زنان بوده است. در 1970 چند سازمان دیگر که خواهان برابری زنان بودند، مانند اتحادیه کار برابر برای زنان<sup>1</sup> و فراکسیون سیاسی زنان<sup>2</sup> اعلام موجودیت کردند. جنبش زنان آنچنان موفقیت آمیز بوده است که "شاید ماندگارترین میراث ... دوره اعتراضات" محسوب شود (دگلا، 1980، 446).

در سال های اخیر مباحث فراوانی در رابطه با نقش های زنان در جامعه به میان آمده است. هم اکنون در امریکا، زنان در مشاغل مختلفی که سابقاً گمان می شد تنها مناسب مردان هستند اشتغال دارند، و بسیاری از زنان در میان متصدیان امور جامعه قرار گرفته اند. تبعیض علیه زنان حامله در محل کار کاهش یافته است، بسیاری از زنان جهت پیگیری علائق دیگرشان بچه دار شدن را به تعویق می اندازند، و پذیرش جامعه در قبال زنانی که در کنار مراقبت از کودک خود شاغل نیز هستند افزایش یافته است. اظهارات مختلف در مورد نقش های زنان در جامعه همچنان ادامه دارد. مطالعات در مورد جنسیت و سبک رهبری افراد، تفاوت های جنسیتی در مشاغل، نقش های جنسیتی در خانواده، جنسیت و تأثیر آن بر ارزیابی های افراد از موفقیت، تأثیر جنسیت در کلاس های درس، و غیره همچنان ادامه دارد تا از این رهگذر بتوان انبوهی از اطلاعات علمی پیرامون زنان و نقش ها و جایگاه آنان در جامعه را فراهم ساخت. ولی اینکه آیا ما موفق به برقراری برابری بین زنان و مردان شده ایم، همچنان محل بحث و مجادله است.

## پایان

---

<sup>1</sup>- Women Equity Action League

<sup>2</sup>- Women Political Caucus